



کانادا: ۱۵ دسمبر ۲۰۱۵م



انجنير فضل احمد افغان

نهاد مستقل ملی بیرون از کشور

بحضور هموطنان و دوستان نهایت عزیز و گرامی بعرض میرسانم که دوست و برادر عزیز و گرامی ما جناب عنایت جان آشفته که قلمبدرست و نویسنده با درد و دلسوز هموطن عزیز ما میباشند و همیشه دلش برای حالت ناگوار مادروطنش میسوزد و بخون دل مینویسد با زهم در صفحه فیسبک خود سوال نهایت مهم و حیاتی را مطرح و از هموطنان دلسوز بوطن سوال نمود اند که "چرا ما پس از هجوم نظامی غرب، نتوانسته ایم صاحب یک نهاد مستقل ملی، که قابل قبول شخصیت های مؤمن، اکادمیک، منور و وطن دوست در بیرون از کشور باشند نشدیم؟ آیا این وظیفه فرزندان متعلق به ملت نیست؟"

اگر به جواب مسؤولانه علاقه دارید؛ لطفاً شفاف بنویسید!

آشفته ای وطن"

چون جناب شان لطف فرموده اند و طالب جواب از هموطنان خود گردیده اند لهذا من بنابر وظیفه ملی و احترام که به جناب شان دارم خواستم مقاله مؤرخ ۳ سپتمبر ۲۰۰۸م خود را که تحت عنوان (چرا ملت افغان متحد نمی شوند) و در وقتش در ویسایتهای وزین نشر و سپس در صفحه ۳۳۳ کتاب من که بنام "فغان افغان" میباشد و در سال ۲۰۱۱م نیز به نشر رسیده حضور وطنداران عزیزم مجدداً تقدیم دارم و امید در جمله نظریات ارزشمند هموطنان عزیزم بحیث یک نظر مطرح بحث قرار گیرد.

انجنیر فضل احمد افغان

ایالت برتس کولمبیا کانادا

تاریخ: ۳ سپتمبر ۲۰۰۸م

چرا ملت افغان متحد نمی شوند؟

می گویند فامیلی گربه ای را تربیه کرده بود که در وقت صرف غذا در وسط میز طعامخوری می نشست و مشعلی را الی اخیر صرف غذا بدست می گرفت اما روزی گربه از قضا و قدر موشی را بدید که در بین اطاق گشت و گذار میکند گربه با دیدن موش بلادرنگ با فراموش کردن وظیفه اصلی اش مشعل را از دست انداخت و خود را از بالای میز بطرف موش پرتاب و موش را گرفت.

مطلب از بیان گربه و موش اینست که در سی سال اخیر هر رهبری تحمیل شده که با عرق ریزیها و زحمات ملت مظلوم و ستمدیده افغان به امید مشعلدار وحدت ملی تربیه شده بودند متأسفانه چون گربه وقتی منافع شخصی اش مطرح گردیده منافع ملی را فراموش و ملت را در تاریکی و سراسیمگی قرار داده اند یعنی در مقابل قدرت، شهرت کاذب و یا پول به دستور با داران خارجی خود مشعل وحدت ملی را که حراست آن وظیفه اسلامی، وجدانی، ملی و اخلاقی شان بود به زمین زده اند و برای رسیدن به آرزوهای پلید خود و یا خوشخدمتی به باداران خود اختلافات قومی، مذهبی، لسانی، منطقوی، حزبی، تنظیمی و جهادی را دامن زده و عدالت اجتماعی را که عنصر عمده وحدت ملی بود پامال کرده اند.

یعنی دشمنان خارجی توسط فرزندان ناخلف و حقوق ناشناس هموطن خود ما که برای حفظ وحدت ملی بمنظور حراست از نوامیس ملی، استقلال، آزادی و سربلندی مادروطن عزیز ما افغانستان تربیه شده بودند ریشه های وحدت ملی را از بیخ و بن قطع و با استفاده از نام وحدت بر ضد وحدت عمل نموده اند امروز عده ای از ملت افغان چنان مضمحل و خسته گردیده اند که بگفتار و بیانات اشخاص بی اعتماد گردیده اند که حتی تحمل شنیدن کلمات زیبای اتفاق و اتحاد را ندارند و میخواهند چون خرگوشان در شگافهای طولانی دهلیزنا زندگی کنند تا از

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاډوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

گزند حوادث و سروصداهای غیر قابل باور وحدت ملی که گاه گاهی از ایم منبع خبری و یا آن منبع خبری و یا به اصطلاح این رهبر و یا آن رهبر بحیث وسیله تبلیغاتی بلند می‌شود بی‌خبر باشند

و عده‌ای چنان در مسائیل اختلافات قومی، مذهبی، لسانی، حزبی، تنظیمی، جهادی و منطوقی خمیر شده اند که بقای خود را بدون چنگ زد ن به چنین پدیدی تباہ کن وارد شده نمی بینند و فریبکارانه و محیلانه سبب میدارند با کلمات چون اکثریت و اقلیت این قوم و آن قوم، برحق بودن این حزب و آن حزب و یا این تنظیم و آن تنظیم، این زبان و آن زبان، این قهرمان و آن قهرمان و بالاخره این مذهب و آن مذهب به اهداف شوم خود و بادرانشان برسند.

به این معنی که در داخل و خارج مادروطن عزیز ما تعدادی از هموطنما دستوری و یا غیر دستوری با صداها و احساسات حرف از اتحاد و اتفاق میزنند اما وقتی منافع شخصی سیاسی و یا مادی مطرح میشود مناسفانه منافع ملی بکلی فراموش و نه تنها آتش اختلافات قومی، لسانی، مذهبی و منطوقی را بین فرزندان یک مادر که افغانستان باشد دامن میزنند بلکه پدیده ای دیگری چون اختلافات حزبی، تنظیمی، جهادی و شخصیت پرستی را نیز به آن گره میزنند و ملت را روز بروز بطرف بدبختیهای بیشتر سوق میدهند که در نتیجه وحدت ملی را که از نیاکان به میراث گرفته بودیم در سی سال اخیر به باد فنا دادیم که البته چندین نسل دیگری با فداکاری و قربانیها ضرورت خواهد بود که مجدداً وحدت ملی را احیا و ملت افغان چون قبل از سی سال اخیر متحد و بنام نامی افغان و افغانستان افتخار نمایند.

مطلب اینست که با گذشت قرن‌ها و تحولات عمیق و باور ناشدنی علمی، سیاسی، اجتماعی، نظامی، اقتصادی، جغرافیایی و خاصاً تکنالوژیکی در جهان امروزی اکثریت ملت افغان هنوز هم در خواب خرگوش اند یعنی درحالیکه در جهان متمدن با انکشاف علم و دانش بمرور زمان گلیم فرهنگ کهن، قضاوت‌های خوب و خراب در مورد اشخاص که به اساس وابستگیهای قومی، مذهبی، لسانی، منطوقی، اصل و نسب، کارکردهای اجداد و فامیلی زور و زر بود بکلی جمع و در عوض معیار و محک قضاوتها در مورد اشخاص بنابر حاکمیت عدالت اجتماعی به اساس تقوی، علمیت، کاردانی، صداقت، پاکی، سابقه کاری، وطندوستی و عملکردشان جاه گرفته هیچ تغییر نکرده

یعنی اگر شخصی مورد بحث قرار می‌گیرد و یا نظر خواهی شود شعوری و یا غیرشعوری با در نظر داشت منافع شخصی و یا تظاهر نه منافع ملی از تمام خصوصیات خوب و یا خراب شخص بحیث یک فرد مستقل و آزاد چشم پوشی و به اساس وابستگی های قومی، مذهبی، لسانی، حزبی، جهادی، تنظیمی، زوردراری، زرداری و یا حتی فامیلی مطرح بحث قرار گرفته می‌شوند یعنی بدون تعقل و مسئولیت وجدانی، اخلاقی، انسانی و اسلامی بالایشان مهر و یا تاپه تأید و یا رد این و آن وارد و باز هم نظام عدالت اجتماعی را برهم زده و وحدت ملی را خشره دار می‌سازند.

و نیز اگر صحبتی از اتحاد ملی میشود اتحاد ملت واحد افغان تحت یک چتر از شمال تا جنوب و از شرق الی غرب کشور در مجموع فراموش می‌گردد یعنی هر قوم، مذهب، حزب، تنظیم، مجاهد نما و یا این گروپ زردار و آن زوردار دستوری و یا غیردستوری از برحق بودن برتریها و قهرمانیهای خود حرف می‌زنند و بدون در نظر داشت تساوی حقوق بین اتباع افغان از دیگران طالب امتیازات بیشتر می‌گردند مخصوصاً آن عده که در طول چهل سال اخیر یعنی آغاز دهه دیموکراسی (۱۹۶۴م) شیفته و گرویده ایدئولوجیهای وارد شده سوسیلیزم، کمونیزم، اسلامیزم افراطی، ماویزم، ستمیزم، طالبیزم، کپیتلیزم گردیده و ملت افغانستان را به تباہی کشانیده اند هنوز هم به دستور بادران خارجی و جاه طلبی شان خود را عقل کل معرفی و هر یک در سعی و تلاش اند که در عوض یک نام واحد افغان و خدمتگاران واقعی برای آزادی، استقلال، سربلندی و شگوفایی افغانستان، ملت افغان را بزور و زر و یا این نام و آن نام در محدوده پیروی از عقاید شخصی و ایدئولوژیهای وارد شده دعوت و برای گرفتن قدرت بار دیگر ملت مظلوم و ستمدیدی افغان را در بردگی قرار داده بدستور بادران خود آنچه بخواهند عمل نمایند.

بلی گاه گاهی نیز شنیده می‌شود که عده ای از رهبران گروپهای مزدور سی سال اخیر که در نظامهای مختلف در رأس قرار داشته اند و فعلاً نیز در داخل و خارج کشور بدستور بادران خود فعال میباشند برای بقاء، دفاع و موفقیت‌های آینده خود از یک جانب با ائتلافهای غیرمتجانس و یا باراندازی مسئولیتهای غیربشری و جنائی خویش بالای یکدیگر و از جانب دیگر فریب خوردگان خود و یا آنانکه بنابر جبر زمان و شرایط وقت در نظامهای مختلف برای انجام منافع ملی و یا امرار حیات خود و فامیل‌هایشان در اورگانهای نظامهای مختلف گروپهای مزدور فوق الذکر در داخل و خارج کشور کشانده شده بودند و بحیث فرزندان واقعی مادروطن که نه تنها هیچ نوع جرم و خیانت را مرتکب نشده اند بلکه با استفاده از موقع خدمات ارزشمند ملی را نیز انجام داده اند برایشان با وانمود کردن اینکه اگر خیانت و یا جنایت را مرتکب شده بودند و یا خیر چون، با ما در این جریان و یا آن جریان سهم

د پاپو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

بودید اگر ما مسئول می باشیم شما هم مسئول می باشید فی لهذا حال برای مصونیت و موفقیت آینده خود باید با ما باشید تا با این نوع حیل و فریب آنها را در ترس و وحشت از آینده نامعلوم قرار داده و بحیث یک کتله دفاعی برای بقا و دفاع از خود در مقابل ادعاهائی برحق ملت مظلوم افغان و مدافعین حقوق بشر بحیث سپر استفاده نمایند

من به این دسته از خواهران و برادران عزیز و محترم که درسردرگمی و تاریکی حیات بسر می برند عرض می دارم که با جرئت تام بدون ترس و هراس خود را از ناقضین حقوق بشر، جنایتکاران، خائنین ملی و مزدوران خارجی با حفظ اخلاق و احترام اجتماعی، اسلامی و افغانی دور و به اکثریت قاطع ملت آزادیخواه، صلحدوست و بشردوست هموطن خود ببیوندد.

مشکل دیگری ما افغانان که متحد نمی شویم اینست که اگر اعضای رهبری کدام حزب و یا تنظیم مرتکب نقض حقوق بشر، جنایات، خیانت ملی، عمل غیرانسانی و اسلامی شده باشند تمام اعضای حزب را بدون قضاوت در مورد عملکردهای اعضا حزب و یا تنظیم بشکل انفرادی که ممکن انسانان شریف، پاک، صادق، وطندوست و غیرمسئول باشند بخاطر اعمال نادرست هیأت رهبری و یا عده دیگری منفعت جوه ای همان حزب و یا تنظیم محکوم می شمارند و یا بدون تعقل اینکه حزب و یا تنظیم بصورت کل خراب شده نمی تواند در احزاب و تنظیمات مثل هر جامعه بشری انسانهای خوب و خرابی می باشند لهذا نادرست و غیرمنطقی خواهد بود که غیرمسئولانه بدون بررسی سابقه اعمال اشخاص تنها به عضویت آنها در حزب و یا تنظیمی آنها را منفور و محکوم بدانند و حتی آنانکه عضویت حزب و یا تنظیم را نداشته می باشند اما بنا بر خویشاوندی، رفاقت و دوستی روابط انسانی، اخلاقی و اسلامی داشته می باشند از آنها نیز نه تنها دوری می جویند بلکه با نشان دادن تنفر در عقب با عمل غیراسلام، اخلاقی غیبت و بدگویی می کنند که البته اینگونه اعمال نیز باعث جدایی ها و تفرقه بین افغانها می گردد.

واز جانب دیگر عده از هموطنان گرامی ما هستند که بدون کمی تفکر غیرمسئولانه از آن عده از خواهران و برادران که عضویت هیچ یک از احزاب و یا تنظیم ها را نداشته اند و بحیث یک فرد ملت با شهامت افغان از نیرو و استعداد خود برای نجات وطن از بدبختیهای تحمیل شده خارجی و یا بنا بر جبر زمان برای امرار حیات خود و فامیل خویش بدون شخصیت پرستی و یا نوکری برای این قدرت و یا آن قدرت بیطرفانه با صداقت و پاک نفسی در نظامهای مختلف اورگانهای دولتی بنام یک فردی ملت افغانستان با سربلندی برای انکشاف، ترقی، آزادی، استقلال مادروطن خود نه بحیث نوکر این حزب و آن تنظیم و یا این و آن قدرت خارجی مصدر خدمات ارزشمندی شده اند بدون استدلال منطقی یا اثبات و معلومات موثق درباره سابقه کاری، تقوی، علم، صداقت، پاک، وطندوستی شان صرف بخاطر اشتغالشان در یکی از اورگانهای دولتی نظامهای گذشته و یا این گروه و آن گروه این قوم و آن قوم، این فامیل و آن فامیل مهرها و تاپه های رنگارنگ بالایش وارد و با دو رویی با ایشان روابط داشته می باشند یعنی در خفا با یکدیگر روابط تن با تن دوستی نگه می دارند اما در اجتماعات و محفلهای شخصی و خصوصی وقتی با هم روبرو شوند و یا ذکر نامشان شود اول سعی می ورزند که از شناسائی به آنها طفره روند و در صورت مجبوریت باید چنین وانمود شود که روابط نزدیک ندارند و حتی برای تبارز شخصیت خود نقابهای دروغین اسلام، وطندوستی و دیموکراسی را بر رخ خود کشیده ناجوانمردانه و خائینانه به این نام و آن نام مهر و یا تاپه سیاه این و آن را بالایش وارد می نمایند که چنین انسانها در اسلام منافقین اند.

اکثر این منافقین که از خود شخصیت ندارند و اگر دارند جبون و ترسو اند برای پرده پوشی خیانتها و جنایات مرتکب شده خود در ادوار مختلف و یا تبارز شخصیت خود در بدنامی دیگران زندگی می کنند و با وصف اینکه در کشورهای متمدن تحصیل نموده اند و سالهای متمادی در کشورهای متمدن حیات بسر برده اند و هر روز به پوست، گوشت و استخوان خود احساس می کنند و می بینند که در کشورهای متمدن بالای انسانها به شکل انفرادی جدا از روابط فامیلی، قومی، مذهبی (به استثنای مؤسسات و اورگانهای مذهبی)، لسانی (به استثنای ضرورت کاری)، حزبی و تنظیمی و یا این و آن به اساس معیارها و محک های تعیین شده چون علمیت، دانش، وطندوستی، شعورسیاسی، سابقه کاری و عملکرد خود شخص مورد بحث قضاوت می شود نه روابط شان از واقعیتها چشم پوشی می نمایند که در نتیجه خواهران و برادران بیگناه که خدمتکاران واقعی ملت بوده اند و می توانند مصدر خدمات عالی برای آینده کشور خود شوند متأسفانه بنابر جهالت، خودخواهی، عاقبت نااندیشی عده از هموطنان جاهل، متعصب و نوکر صفت فوق الذکر در دو راهی امید و ناامیدی به آینده مادروطن کشانیده و جبراً وادار به انزواع و یا راندن به تسلیم شدن به عده از ناقضین حقوق بشر، جنایتکاران و خائنین ملی و نوکر صفت احزاب و تنظیم ها که در کمین اند می سازند اینست که ملت افغان به وحدت ملی موفق نمی شوند.

د پانوی شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

خواهران و برادران عزیز هموطن بیائید از خواب خرگوش بیدار شویم و به اعتراف به واقعیت‌های تلخ سی سال اخیر کمی ترحم به مام وطن و فرزندان فقیر، گرسنه، بی‌خانه، بی‌داکتر، بی‌دوا، بیسواد، بی‌تعلیم، بی‌مکتب، بی‌معلم، بی‌بیکار، بی‌لباس، معلول، معیوب، یتیم، معتاد به مواد مخدره، مهاجرین افغانی در پاکستان و ایران و متخصصین ورزیده افغانی خارج وطن که به آرزوی خدمت به مام وطن می‌سوزند و می‌سازند کنیم و از انواع بیحرمتی، بی‌عزتی و بی‌آبرویی نجات بدهیم و کشور عزیز را بطرف تمدن امروزی سوق دهیم و با برقراری عدالت اجتماعی درباره هموطنان عزیز خود با معیارها و محک‌های علم، دانش، تقوی، عملکرد، پاکی، صداقت و وطندوستی شان قضاوت نمایم و با کنار زدن فرهنگ کهن قوم، مذهب، زبان، منطقه، حزب، تنظیم صفحه جدیدی را بکشایم یعنی همه خواهران و برادران هموطن خود را که به هر اسم و رسم یاد می‌شوند اما حقوق بشر را نقض نکرده باشند، مرتکب جنایت نشده باشند، خیانت ملی نکرده باشند، مزدور خارجی نباشند و اعمال ضداسلامی نکرده باشند به اتحاد صمیمانه، اخوت، برادری، برابری، هبستگی و صداقت به یکدیگر با حفظ احترام بدین مقدس اسلام وحدت ملی آهین را بنام واحد افغان برای استقلال، آزادی، سربلندی، شگوفایی، غیرمنسلک بودن فعال و مثبت کشور عزیز خود افغانستان دعوت نمایم.

هموطنان گرانقدر باید عرض کنم که در این نبشته من به جز از منافع ملی افغانستان عزیز که بنامش افتخار می‌کنم کدام مطلب و یا مرام شخصی ندارم چه من به افتخار، جرئت تام و سربلندی تام اظهار میدارم که الحمدالله در طول عمرم عضویت هیچ حزب و یا تنظیم را نداشته‌ام و به نام احزاب و تنظیم‌ها مخالفت و یا حساسیتی هم نداشته‌ام اما بنا بر عقیده شخصی ام و دیدی که از مادروطن عزیز خود داشتم در شرایط ناسازگار کشور عزیز ما که بیش از نود فیصد ملت آن محروم از فیض سواد بود موافقه و یا شمولیت به فعالیت‌های احزاب و تنظیم‌ها، آیدیولوژی‌های وارد شده و شخصیت پرستی‌هایشان نداشتم و فعلاً نیز کمافی السابق نمی‌باشم جهاد من در سی سال اخیر در عوض استعمال تفنگ و شمشیر قلم و زبانم بود بلی من بعد از سقوط دوره دهه دیموکراسی که به انارشی تبدیل شده بود برای حداقل مدت ربع قرن طرفدار نظام دیکتاتوری مترقی و حزب انقلاب ملی نوع دوره سردار محمد داود خان شهید بودم تا ملت افغانستان در یکپارچگی و اتحاد از فیض نورعلم و معرفت آگاه و دارای شعور سیاسی شود و جوانان با تقوی، بادانش، مبتکر، پاک، صدیق و وطندوست آینده کشور که معتقد به اعتقادات افغانی، دیموکراسی واقعی، احترام به منشور ملل متحد، عدالت اجتماعی و حاکمیت ملی باشند بشکل تدریجی و مسالمت آمیز سرنوشت کشور عزیز خود را بحیث یک کشور آزاد و مستقل بدون در نظر داشت مسائیل قومی، مذهبی، زبانی و منطقوی بدست گیرند تا باشد که در پرتو نور علم و معرفت با در نظر داشت شرایط مسلط اجتماعی، عدالت اجتماعی و حاکمیت ملی را در مادروطن عزیز ما برقرار و مادر وطن ما را که از نیاکان بمیراث برده ایم در آینه مدنیت جهان بطرف شگوفانی و سربلندی سوق دهند و حال نیز معتقدم که برادران تفنگدار و شمشیردار ما تفنگ‌های خود را در خاک بسپارند و شمشیرهای خود را در نیام‌های آن بگذارند و در عوض از قلم و زبان برای ایجاد صلح دائمی، وحدت ملی، استقلال، آزادی و حفظ کرامت انسانی استفاده و تلاش نمایند.

هموطنان نهایت عزیز و گرانقدر این آرزو وقتی برآورده شده میتواند که خواهران و برادران عزیز ما با یک واقعیت بینی و وسعت نظر و کنار زدن منافع و اختلافات شخصی حوادث سی سال اخیر را بدقت تام بسیار بیطرفانه ارزیابی و یک لحظه ای بی‌اندیشند که آیا ارزش دارد که بدوام دسائیس شوم دشمنان به این نام و آن نام بی‌مفهوم منافع علیایی کشور عزیز خود را پامال و دشمنان سوگند خورده کشور را بیشتر موقع بدهیم که ملت و مادروطنما را نیست و نابود سازند؟ خیر ابداً نه فی‌لهذا بیائید با اعلان وحدت ملی صادقانه و نهایت صمیمانه به خداوند(ج) و مقدسات سوگند یاد کنیم که ما همه فرزندان یک مادروطن و افغانیم و نیز بخاطر تحکیم وحدت ملی جدی از توهین و تحقیر خواهران و برادرانکه به هر نام باشند اجتناب و قضاوت در باره اعمال جنایتکاران، ناقضین حقوق بشر، خائنین ملی و مزدوران خارجی را بدولت ملی آینده افغانستان عزیز و سازمان حقوق بشر می‌سپاریم و از تمام رسانه‌های گروهی و قلم بدستان افغانی محترمانه التجاء و تقاضا میکنیم که در این مقطع خطیر زمانی در همین راه مقدس عمل بکنند

و من الله توفیق

د پاپو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولی